



ماهیت اقدامات تأمینی در حوزه مالکیت معنوی در چهارچوب نظام حقوقی ایران و فقه امامیه

فرشته اسدپور^۱

عباس پهلوانزاده^{۲*}

پدرام خندان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده

همواره موضوع مالکیت و اقداماتی جهت تأمین و حفاظت از ماهیت آن دغدغه نظام‌های حقوقی بوده است. مالکیت معنوی افزون بر دغدغه ماهیتی و نگرش قانونگذار به طبع حقوقی آن، از منظر تمهیدات تأمینی نیز دارای چالش‌هایی است که بایست مد نظر قانونگذاران قرار گیرد. هدف از پژوهش حاضر شناسایی ماهیت اقدامات تأمینی در حوزه مالکیت معنوی در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه می‌باشد که با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای سعی شده این هدف اساسی را مورد بررسی قرار دهیم. یافته پژوهش نشان می‌دهد که، به تناسب تعدد و تکثر حاکم بر مصادیق مالکیت معنوی، تمهیدات متناسب و کارآمد در نظام حقوقی ایران طراحی و ایجاد نشده است. تمهیدات تأمینی در حقوق مالکیت معنوی در نظام حقوقی ایران به دو دسته اصلی قابل تقسیم می‌باشند: دسته اول تمهیدات عام که در شکل نهادهای عمومی آیین دادرسی مانند قرار تأمین خواسته و دستور موقت می‌باشند؛ دسته دوم تمهیدات خاص که به صورت موردی در حوزه اسرار تجاری، علامت تجاری، حق اختراع مطرح می‌باشند. براینکه این پژوهش نشان می‌دهد، قانونگذار هنوز نتوانسته است قانونی منسجم که بتواند گسترده وسیع مالکیت معنوی که امروزه به مدد هوش مصنوعی و فضای سایبر به فراتر از مرزها رفته است را مورد حمایت جامع و مانع قرار دهد. توجه به این نقیصه مطالعه است که سعی شود در فرایند تقنینی، قضایی و اجرایی موضوع را از دیدگاهی تخصصی و فنی نگریسته تا بتوان از این حوزه که مبنای تولید علم و آورده‌های فکری و اندیشه‌ای است، حمایت شود.

واژگان کلیدی: اقدامات تأمینی، مالکیت معنوی، حقوق ادبی و هنری، مالکیت صنعتی.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. f.asadpoori2020@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول): dr.pahlavanzadeh@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. dr.khandani@gmail.com

مقدمه

تعرض به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان همواره در نظم عمومی، ایجاد اختلال کرده و امنیت مالی و معنوی اشخاص را در معرض خطر قرار داده است. اعمال مجرمانه به عنوان پدیده‌ای ضد اجتماعی دارای آثار منفی در جامعه می‌باشند. این آثار حوزه وسیعی از خسارات را در پی دارد. اشخاص سودجو و منفعت طلب در مقام تجاوز به حقوق دیگران، سرمایه‌های آنها را تهدید می‌نمایند. برخی مواقع ممکن است این تجاوز به حدی شدید باشد که علاوه بر ورود خسارت (مادی و معنوی) به دارنده حق، بر خلاف نظم عمومی جامعه هم باشد. ضمانت اجرا عکس العمل قانونی نسبت به تخلف از یک دستور قانونی است. بدین منظور، قانون گذاران با وضع قوانین کیفی، وسایل جبران خسارت را در پرتو جرم انگاری این اعمال مد نظر قرار می‌دهند. در این راستا قانون گذاران برای حفظ حقوق پدیدآورندگان آثار فکری تمهیداتی را در جهت مبارزه با تعرض پیش بینی نموده اند. مجازات‌ها و اقدامات تأمینی را مقرر تا نه تنها مالکین آثار فکری را از تعرض مصون بدارد، بلکه اجتماع را در قبال افراد سودجو و فرصت طلب محافظت نماید. با این حال گرچه ضمانت اجراهای غیر رسمی همچون فرهنگ سازی راجع به حقوق فکری و پیشگیری‌ها و تدابیر فنی در محصولات و آثار فکری نیز می‌تواند تا حدود زیادی موجب حفظ حقوق صاحبان حق گردد و در اولویت است اما نمی‌توان صرفاً به استفاده از آنها بسنده کرد. راه حل‌های مدنی بدنبال جبران خسارت و روش‌های بازدارنده برای جلوگیری از تجاوزهای بعدی به شخص است که به حقوق او تجاوز شده و مجازات‌های کیفی به منظور تنبیه افرادی است که عامداً حقوق دارندگان این محصولات فکری، معنوی و ... را نقض کرده و مورد تعرض قرار داده اند. بنابراین حفاظت از مالکیت معنوی (IP) برای یک اقتصاد سالم جهانی بسیار مهم است. چرا که خود موجب نو آوری در کسب و کار از یک سو و توسعه صنایع و اختراعات می‌گردد. پس توجه قانونگذاران می‌تواند این موضوع را در عرصه‌های گسترده تجاری و اقتصادی هر کشوری مد نظر قرار دهد تا بتواند روند رو به رشد تکنولوژی را سریع تر احیا کنند و نقش موثرتری در انتقال آن به جامعه انسانی داشته باشند.

پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که، ماهیت اقدامات تأمینی در حوزه مالکیت معنوی از منظر نظام حقوقی ایران و فقه امامیه چیست؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش مزبور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که اساساً در فضای نظام حقوقی ایران، اقدامات تأمینی ایران به دو دسته اصلی قابل تقسیم می‌باشند: دسته اول تمهیدات عام که در قالب نهادها و قالب‌های عمومی آیین دادرسی مانند قرار تأمین خواسته و دستور موقت

می‌باشند؛ دسته دوم تمهیدات خاص که به صورت موردی در حوزه اسرار تجاری، علامت تجاری، حق اختراع مطرح می‌باشند. در نتیجه، از منظر نظام حقوقی ایران، ماهیت اقدامات تأمینی در قالب‌های عمومی آن، اقدامات نظارتی و نهادی می‌باشد که برای تحکیم فرآیند دادرسی به آن می‌توان متوسل شد و اما اقدامات مزبور در قالب‌های خاص آن مانند اسرار تجاری و حق اختراع احکام استثنائی و خاصی می‌باشند که به صورت موردی توسط قانون‌گذار به رسمیت شناخته شده‌اند. همچنین با توجه به این که هر دو متغیر پژوهش حاضر یعنی حقوق مالکیت معنوی و اقدامات تأمینی در متون فقهی فاقد سابقه می‌باشند، صرفاً می‌توان این مفاهیم را در چهارچوب مبانی و قواعد کلی فقهی مورد ارزیابی قرار داد و حکم نهایی به جواز عدم جواز توسل به آن‌ها صادر نمود.

با این بیان باید افزود این پژوهش اگر چه بر مدار برخی پژوهش‌های انجام یافته قرار گرفته است. اما بررسی برخی از قواعد عام فقهی و تعمیم آن تمهیداتی که به صورت تأمینی از مالکیت معنوی حمایت می‌کند، بخش مهمی است که در این پژوهش مورد توجه قرار داده شده است. همچنین تمهیدات تأمینی از باب حقوق را از زوایه فقه و اصالت بخشی قواعدی بررسی نموده ایم که به طور کلی آنچه را بیان می‌کند مبتنی بر عدم ضرر رسانی به حق مالکیت اشخاص و حق تسلیط بر حقوقی است که به واسطه مالکیت به دست آورده است. به طور کلی در این پژوهش به قواعدی از فقه اشاره می‌شود که مبنایی از حق مالکیت اشخاص را به رسمیت شناخته و آنها را از نظر اخلاقی تحت حمایت قرار می‌دهد. نکته مهم و جنبه جدید در این پژوهش علاوه بر این دید در مالکیت معنوی، بیان حمایت‌هایی حقوقی که می‌تواند مبنایی فقهی داشته باشد. به عنوان مثال وقتی اشاره می‌شود در خصوص حق اختراع می‌توان جهت حمایت از آن به نهاد دستور موقت تمسک جست، این موضوع دارای مبنای عقلی لاضرر است که دائر مدار حق سبق در مالکیت می‌باشد. با این ویژگی که در زمینه آنچه از بیان نو از موضوع گفته شد در ذیل پس از مفهوم و مبنایی صور تبیین شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم شناسی مالکیت فکری

حقوق مالکیت معنوی اساساً ناظر بر حمایت از تلاش‌هایی است که برابند آفریده‌های ذهنی و فکری می‌باشد. بنابراین خلاقیت‌ها بشری، نوآوری‌های تکنولوژیک و مصادیقی از این دست که در شکل زایش ادبی و صنعتی نمود می‌یابد را می‌توان در زمره این نوع مالکیت در نظر گرفت. (دهقان، ۱۳۹۸: ۱۴۲)

عده‌ای از حقوق‌دانان نیز عقیده دارند ارائه تعریف دقیق از مالکیت معنوی مقدور نیست. این عده دلیل این امر را گستردگی و تنوع جنبه‌های مختلف این حقوق عنوان می‌نمایند؛ برای مثال، در نظام حاکم بر مالکیت ادبی و هنری محور اصلی شخصیت پدیدآورنده است و تمامی قواعد حول محور پدیدآورنده و حقوق آن است؛ لکن در شاخه مالکیت صنعتی نظیر پتنت، توجه عمده بر ابعاد و مزایای اقتصادی حاصل از این اموال و استفاده از آنها است و در به بعد اخلاقی سوء استفاده از حقوق پدیدآور، توجه زیادی نگردیده است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

بنابراین عنوان «مالکیت معنوی» به صورت مستقل و بدون ذکر مصادیق در متون قانونی نوشته وجود ندارد تا تلاش در دستیابی به تعریف آن دارای فایده حقوقی باشد و بتوان آن را بر مصادیق تطبیق داد و اگر این اصطلاح در نام‌گذاری برخی نهادهای بین‌المللی به کار رفته باشد، یا نام یک سازمان است و یا مصادیق آن به خوبی روشن است. مالکیت فکری به معنای تسلط و حق بر برخورداری از آثار ناشی از فعالیت‌ها و تراش‌های ناشی از فکر انسان در زمینه‌های، هنری، ادبی، علمی، فرهنگی و ... می‌باشد. پس این حق مانند تمام حقوق مالکانه باید به رسمیت شناخته شود و در تعریف مالکیت فکری باید به این مهم نیز توجه داشت. با این حال، تلاش برای دست‌یابی به تعریف و نقض و ابرام تعریف‌های ارائه شده تا حدود زیادی ما را با ابعاد مالکیت فکری آشنا می‌کند و زمینه را برای شناخت ماهیت و احکام مترتب بر آن و شناخت نظام‌های حقوقی هموار می‌کند.

در یک تعریف پیشنهادی که از سوی یکی از اندیشمندان ارائه شده است می‌توان گفت «مالکیت فکری یا همان مالکیت معنوی مجموعه‌ای از امتیازها، مصونیت‌ها، و توانایی‌هایی است که پدید آورنده آفرینش فکری درباره امری غیرمادی و غیرملموس دارد.» این تعریف هر دو جنبه غیرمادی و غیرملموس مالکیت را در نظر گرفته است و از آن به عنوان امتیاز، مصونیت و یا توانایی یاد می‌کند. این مفاهیم در حقوق معانی و آثار متفاوتی دارند که به جای خود از آن استفاده شده است. بنابراین می‌توان اذعان کرد در این حوزه از حقوقی طرح بحث می‌گردد که بی‌واسطه به خود شخص تعلق دارد؛ یعنی بدون اینکه رابطه حقوق خصوصی بین صاحب این حقوق با اشخاص دیگر به وجود آید تا از این راه او صاحب حقوق مالکیت معنوی شناخته شود، به محض ایجاد محصول فکری، وی دارنده و مالک حقوق موضوع به وجود آمده خواهد بود. (مجاهد، ۱۴۰۰: ۱۱) چرا که /افزوده ذهنی و فکری وی بوده و فی‌البداهه خود وی خالق این اثر می‌باشد.

۲. مبانی مالکیت فکری

مبانی نظری ناظر بر معتبر شناختن حقوق مالکیت معنوی دارای تفاوت‌های بنیادین هستند. تبع همین امر، نظام‌های حقوقی که به حوزه مالکیت فکری پرداخته‌اند نیز با مبنا قرار دادن این مبانی دارای اختلافات فاحشی می‌باشند. به همین دلیل ارائه تعریفی که با تمامی مبانی مذکور قابل انطباق باشد دشوار و حتی غیرممکن می‌نماید. برای مثال در چهارچوب نظام رومی-ژرمنی که پایه‌های آن در حقوق طبیعی بنا گردیده است، توجه شایانی به حقوق معنوی و اخلاقی می‌شود. این در حالی است که در نظام‌های کامن‌لا نظیر ایالات متحده آمریکا، بعد اخلاقی جلوه کم‌رنگی دارد و توجه عمده بر اثر شناسایی و حمایت از مالکیت فکری بر چرخه اقتصاد، کسب منافع و همچنین گسترش نوآوری و پیشرفت علوم در جامعه است (جعفرزاده، ۱۳۸۴: ۸۸).

مالکیت فکری را می‌توان بر دو مبنا حقوق طبیعی و حقوق اخلاقی و همچنین بر مبنا منفعت‌گرایی تعریف کرد. حقوق طبیعی حقوقی است که به عقل و خرد انسان در تعریف‌ها رجوع می‌کند و مبنا همین امر است. در واقع در صورتی که عقل و خرد آدمی چیزی را قبیح بشمارد و یا امری را خوب بداند در عالم حقوق نیز دارای اعتبار است. بر طبق تئوری حقوق طبیعی حقوق مالکیت فکری باید بر اساس حقوق طبیعی توجیه شود. به عبارت دیگر انسان، از آن جهت که انسان است و پدید آورنده آثار موضوع گفتگو است باید صاحب اختیار تلقی گردیده و دیگران نباید مجاز به تعرض و تجاوز به حقوق او شوند. تنها باید او حق بهره برداری از اثر را داشته باشد و هیچ کس نباید بدون رضایتش از آن بهره برداری کند. صاحب حق بودن پدید آورنده اثر از لوازم انسان بودن ایشان است. به اعتقاد طرفداران این نظریه، حقوق مالکیت فکری همانند کلیه مصادیق حقوق طبیعی از دیرباز وجود داشته، ولی بشر به تدریج به آن واقف شده است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

حال اگر بخواهیم بر مبنا حقوق طبیعی و اخلاقی، مالکیت فکری یا مصادیق آن مانند حق مؤلف را تعریف کنیم، تعریف باید به گونه‌ای ارائه شود که نشان دهنده مبنا اعتبار باشد و اگر بخواهیم مالکیت فکری را بر مبنا منفعت‌گرایی تعریف کنیم باید بر نتایج و فواید شناسایی مالکیت فکری دست بگذاریم. به دیگر سخن، در مبنا حقوق طبیعی، بر کار و از جمله کار فکری تاکید می‌شود اما در مبنا منفعت‌گرایانه بر اهداف و نتایج حاصل از اعتبار مالکیت فکری که همان انگیزه ایجاد فعالیت بوده، تاکید می‌شود. بنابراین روشن است ارائه تعریفی که هر دو مبنا را پوشش دهد، بسیار دشوار یا غیر ممکن است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

بحث مبانی در فلسفه حقوق راجع به اساس و جوهره قاعده و طبیعت آن است. حقوقدانان گفته‌اند که مراد از مبنای حقوق، پایه و دلیل نیرویی است که آن قواعد در جامعه دارند. بدیهی‌ترین مبنایی که از حقوق داریم این است که رعایت قواعد آن اجباری است و ایجاد الزام می‌کند. پیدا کردن مبنایی برای حقوق مالکیت فکری کاری بس دشوار است. برخی معتقدند حقوق فکری صاحبان آثار از حدود سه قرن پیش با شناسایی قوانین آن در حقوق موضوعه در ۱۹۰۷ میلادی در کشور انگلیس آغاز شد. اما باید دانست که مالکیت معنوی در طول تاریخ، دارای تحولات عمیق بوده است؛ اگر در برهه‌ای از تاریخ به کار تولیدی یا شخصیت و حقوق پدیدآورنده توجه می‌شده است، امروز مالکیت فکری ماهیت سیاسی نیز پیدا کرده و حوزه‌ای را شامل می‌شود که دولت و نهادهای مدنی مانند گروه کتاب داران، مؤسسات آموزشی، مؤسسات خدمات اینترنتی، سازمان‌های محیط زیست و دیگران نیز تلاش می‌کنند قواعد آن را با اهداف خود هماهنگ کنند. روشن است ارائه تعریفی که بتواند همه خواسته‌ها و حقوق گروه‌های فوق را پوشش دهند، بسیار بعید است (اقبالی درخشان، ۱۳۸۵: ۸۲).

ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر کرده است که کشورهای طرف میثاق اموری مانند بهره‌مندی و حمایت از حقوق مادی و معنوی مصنفان و مولفان را به رسمیت خواهند شناخت. بنابراین نسل سوم حقوق بشر با تأکید بر حقوق افراد (۱) حقوقی مانند، حق بر توسعه را برای کشورهای در حال توسعه قائل است. تمام توسعه‌های اقتصادی از جمله توسعه در بخش مالکیت فکری در سایه انقلاب صنعتی باید در خدمت انسان به کار گرفته شوند؛ نه انسان در خدمت توسعه و هدف از توسعه، دسترسی به تمام حقوق تعریف شده بشری است (راهنمای میانجیگری، ۲۰۱۹). در جامعه امروز انسان‌ها مصرف‌کننده‌ها محصول در روزانه که بر تمامی این محصولات حقوق مالکیتی به مفهوم خاص حقوق مصرف‌کننده قابل تصور است.

حمایت از حقوق مالکیت فکری در مقررات کار علاوه بر سکوت و اجمال قانون ملی ما در این زمینه معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله معاهده‌های برن، پاریس و تریپس نیز از پرداختن به احکام این آثار غافل مانده‌اند و در هیچ یک از آنها حتی اشاره‌ای گذرا به این آثار نشده است. و فقط در قوانین ملی کشورها شاهد تصویب قوانین و مقرراتی خاص نسبت به اینگونه آثار هستیم (امینی نژاد، صفایی، ۱۳۹۶: ۳۲).

کشور انگلستان اولین کشوری است که مقررات حمایتی از آثار ادبی و هنری را تدوین نمود. نخستین قانون حق مؤلف این کشور قانون ملکه آن (۲) بود که در سال ۱۷۱۰ به تصویب رسید اما نخستین باری که قانون گذار انگلیسی آثار استخدامی را مورد حمایت قرارداد در سال ۱۹۱۱ بود. در بند (۱) ماده ۵ قانون مذکور آثار سفارشی و آثار استخدامی به طور مجزا در قسمت‌های (a) و (b) مورد اشاره واقع شده بودند. کشور آمریکا نیز نخستین بار در قانون حق مؤلف مصوب ۱۹۷۶ آمریکا مفهوم *Work made for hire* را آورده و در ذیل آن به دو دسته آثار استخدامی و آثار سفارشی اشاره کرده است. اصول حق نشر، این قانون جایگزین قانون ۱۹۰۹ می‌باشد که در آن به آثار سفارشی اشاره‌ای نشده بود (عسگری ارجنکی، ۱۳۹۷: ۸۴).

در قانون حق مؤلفه مصوب ۱۹۶۱ آمریکا نیز به جای عبارت "*Work made for hire*" از عبارت طولانی‌تر ذیل استفاده شده بود:

"Works created by an employee within the regular stop of his employment."
در قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ فرانسه که در ۳ ژوئای ۱۹۸۵ مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته، آثار اجاره‌ای (*Work made for hire*) مورد حمایت قانونگذار واقع شدند اما در قانون کپی رایت مصوب ۱۹۹۲ بود که آثار استخدامی نیز به طور مستقل و خاص تحیا حمایت قرار گرفتند. البته قبل از آن در کشور فرانسه قوانینی جهت حمایت از مالکیت فکری وضع شده بود از جمله قوانین مصوب سالهای ۱۷۴۴، ۱۷۷۷، ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳. می‌بایست خاطر نشان کرد که هیچ یک از اسناد منطقه‌ای و کنوانسیون‌ها و موافقت نامه‌های بین المللی مقررات خاصی در مورد آثار استخدامی مطرح نکرده‌اند (Goldstein, 2001; 184). در قانون کپی رایت سایر کشورها هم همانطور که ذکر آن در ابتدای این مبحث رفته مقررات راجع به آثار ناشی از استخدام بیشینه‌ی چندانی ندارد. مقنن در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان که در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده است، در خصوص اثر استخدامی با اثر سفارشی و اثر استخدامی به طور خاص، احکامی را بیان نموده است. ماده ۱۳ قانون مذکور بیان می‌دارد، برای سفارش‌دهنده آثاری که در نتیجه سفارش ایجاد می‌گردند، به مدت ۳۰ سال از زمان خلق اثر، حق مادی بر آن اثر وجود دارد. لازم به ذکر است می‌توان بر خلاف این مورد توافق نمود.

مقنن در قانون حمایت از پدید آورندگان برنامه‌های رایانه‌ای که در سال ۱۳۷۹ به تصویب رسیده است در ماده ۶ اقدام به تقسیم‌بندی می‌نماید که به موجب آن، نرم‌افزارها می‌توانند در نتیجه استخدام و یا قرارداد خلق شوند در این خصوص باید موارد ذیل رعایت گردد:

الف - باید نام پدید آورنده توسط متقاضی ثبت به مراجع یادشده در این قانون به منظور صدور گواهی ثبت، اعلام شود.

ب - اگر هدف از استخدام یا انعقاد قرارداد، پدید آوردن نرم افزار مورد نظر بوده و یا پدید آوردن آن جزء موضوع قرارداد باشد، حقوق مادی مربوط و حق تغییر و توسعه نرم افزار متعلق به استخدام کننده یا کارفرما است، مگر اینکه در قرارداد به صورت دیگری پیش بینی شده باشد.

۳. ماهیت اقدامات تأمینی در حوزه مالکیت معنوی

در این قسمت به ماهیت اقدامات تأمینی در حوزه مالکیت معنوی و مقررات تقنینی و اجرایی آن پرداخته می شود.

۱-۳. بررسی ماهیت تمهیدات تأمینی در مالکیت صنعتی

در بادی امر باید اشاره کرد ماهیت مالکیت صنعتی پیوندی ناگسستنی با بازرگانی و تجارت که براینده موضوع مالی است، دارد. بنابراین واقعیتی است که اقدامات تأمینی به عنوان یکی از ابزار قدرتمند در جهت جلوگیری از نقض حقوق مربوط به محصولات معنوی بوده و یکی از مباحث مهم و پر کاربرد در عرصه حقوقی و اقتصادی می باشد و در حوزه فعالیت های اقتصادی، مهمترین اقدام تأمینی جهت جلوگیری از نقض حقوق مالکیت معنوی، توقیف کالاهای تقلبی و جلوگیری از پخش آن می باشد. (حنیف پور، ۱۴۰۰: ۱)

در پیش نویس قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی، علائم و نام های تجاری که شور اول آن در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۷ در مجلس شورای اسلامی گذشته است، در خصوص هر کدام از مصادیقی که در لایحه مذکور مورد حمایت واقع شده اند، به صورت مجزا و با عبارت های گوناگون، که برخی از آنان چندان واضح نیست، برای دارنده حق، ظرفیت اقامه دعوی در راستای پیشگیری از نقض قریب الوقوع حق پیش بینی گردیده است. به موجب بند ج ماده ۱۰، دارنده پتنت این اختیار را دارد که علیه هر فردی که دست به اقدامی بزند که امکان دارد منجر به نقض حقوق وی گردد طرح دعوا نماید. همچنین برای مالک طرح صنعتی، نام تجاری و علامت تجاری در مصادیق گوناگون این حقوق پیش بینی گردیده است و همچنین در ماده ۳۷ پیش نویس، مجدداً این حق به صورت کلی برای همه مالکین این حقوق در نظر گرفته شده است. می توان نگرش مذکور را در ماده ۵۰ موافقت نامه تریپس مورد بررسی و تدقیق قرار داد. در

ماده مذکور بیان گردیده است: «مقامات قضایی از این اختیار برخوردار خواهند بود که دستوراتی در مورد اقدامات موقتی فوری و موثر به منظوره‌های زیر صادر نمایند...». پس در موافقت‌نامه مذکور نیز این امکان وجود دارد که تدابیر تأمینی و موقتی را مورد بحث و بررسی قرار داد.

بند ۷ از ماده ۵۰، اقدامات موقتی را پیش‌بینی نموده است و در بر گیرنده قواعد شکلی پراهمیتی در رسیدگی به نقض‌های انجام‌شده و به طور خاص نقض‌هایی که قریب‌الوقوع هستند است. به موجب بند ۱، مقصود از این موارد پیشگیری از تضییع حقوق مالکیت معنوی یا ارتکاب جرم نسبت به این حقوق و همچنین محافظت نمودن از ادله مرتبط با نقض می‌باشد.

اجزایی نمودن اقدامات یاد شد در دو مصداق خاص ضروری می‌باشد: نخست، موقعیتی که هر درنگ احتمال وقوع خسارت غیرقابل‌جبران به دارنده حق را فراهم آورد. و دوم در زمانی که ریسک معدوم شدن سند به صورت قطعی وجود دارد. گرچه لازم به ذکر است، بار ثابت نمودن موارد مذکور، بر عهده متقاضی انجام اقدامات می‌باشد. اشخاص عضو باید برای مقامات قضائی صلاحیت تصمیم‌گیری در خصوص تدابیر و اقدامات موقتی را پیش‌بینی نمایند. ماده فوق صرفاً به صورت کلی این حکم را در خصوص اقدامات موقتی پیش‌بینی نموده است و به جزئیات بیشتر نپرداخته است.

بند اول، به درنگی که موجب خسارت غیرقابل‌جبران باشد می‌پردازد و بند ب در خصوص مصادیقی است که دسترسی صاحب حق به جبران خسارت مقدور نباشد. مانند موردی که فرد ناقض، دارای پایگاه تجاری در کشور نمی‌باشد. تصمیم‌گیری در خصوص معین نمودن دیگر مصادیقی که امکان دارد اقتضاء اتخاذ تدابیر موقتی را داشته باشد، به کشورهای عضو واگذار گردیده است.

برای تقاضای اتخاذ اقدامات موقتی، خواهان می‌بایست به وسیله ادله کافی اثبات نماید که صاحب حق معنوی موضوع درخواست می‌باشد؛ همچنین باید ثابت نماید نقض ادعایی، در حال انجام و یا قریب‌الوقوع می‌باشد. علاوه بر موارد مذکور، باید ثابت گردد که تأمین یا تضمینی که دارای ارزش کافی برای جبران نقض باشد در دست نیست. مبنای موارد مذکور، حفظ حقوق خواننده دعوا و پیشگیری از ورود خسارت ناروا به وی می‌باشد. مقدار تأمین یا دیگر تضامین از سوی مقام داخلی معین می‌گردد. با توجه به بند ۳ می‌توان بیان نمود، این مبلغ باید به نحوی تعیین گردد که علاوه بر جبران خسارت احتمالی که به ناحق به خواننده تحمیل می‌گردد، موجب

پیشگیری از رقابت نامشروع (رقابت غیرمنصفانه)^۱ خواهان با خوانده به واسطه اتخاذ تدابیر موقتی باشد. این رویکرد در حقوق رقابت نیز مطلعی جهت حمایت از آفریده‌های ذهنی است. در تمام حوزه‌های قضایی که تا به امروز متمرکز بر نوعی از حقوق رقابت می‌باشند، قوانین به طور قابل توجهی در شرایط داخلی یا منطقه ای آن‌ها و به ویژه در اسناد بین الملل متفاوت است. (اسدپور، پهلوان‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۳۴) همین امر به پیچیدگی موضوع جهت تعمیم مقررات در راستای حمایت از حقوق معنوی در متن رقابت‌های تجاری، افزوده است.

مطابق با بند ۵، مقام ذی‌صلاح برای اتخاذ تصمیم در خصوص تدابیر موقتی، می‌تواند در راستای شناسایی کالاهای مربوطه، از خواهان فراهم نمودن داده‌های مورد نیاز را مطالبه کند. شخص خسارت‌دیده می‌تواند درخواست نماید اقدام موقتی ملغی گردد. پس از طی روند دعوا و صدور حکم اقدام موقتی، این اقدام باید ظرف ۲۰ روز کاری یا ۳۱ روز تقویمی (ملاک زمان طولانی‌تر است) عملیاتی گردد. البته مهلت اجرای اقدامات موقتی می‌بایست توسط مقام ذی‌صلاح معین گردد. به موجب بند ۶، کشورهای عضو موظفند این مورد را نیز در قوانین خود تقنین نمایند.

در صورتی که در نتیجه اعمال اقدامات موقتی، به خوانده ضرر ناروایی تحمیل گردد، مطالبه جبران ضرر، در چند مصداق برای خوانده ممکن است: نخست، در موقعیتی که اقدامات موقتی لغو می‌گردند، که امکان دارد در نتیجه تجدید نظر مصرح در چهارمین بند ماده ۵۰، محقق شه باشد؛ دوم، زمانی که اقدامات موقتی به صورت قانونی در نتیجه فعل یا ترک فعل خواهان انقضا پیدا می‌کنند و سوم، در موقعیتی که مقام صادرکننده حکم اقدامات موقتی، اطلاع می‌یابد نقض یا ریسک قریب‌الوقوعی برای نقض حقوق معنوی، متصور نبوده است.

در صورتی که شخصی اقدام به فعلی نماید که از تهیه مقدمات نقض (مانند فراهم نمودن مقدمات یا تهیه ابزار)، بیشتر باشد، به صورتی که بتوان عمل وی را نقض تلقی نمود، دارند حق معنوی متضرر، می‌تواند از تضامین و سازوکارهای قانونی نظیر قرار عدم استمرار جرم، قرار منع (دستور)^۲، و دیگر ابزارهای ذکر شده در قانون، بهره‌مند گردد. یکی از روش‌های نوین تضمین حقوق دارنده حق معنوی، الزام خوانده به تادیه خسارت نقدی به صورت روزانه و یا خسارت مضاعف به دارنده‌ی حق در راستای توقف فرایند نقض می‌باشد. در صورتی که در بدو امر، دامنه

^۱ Unfair Competition

^۲ Injunction

اقدامات فرد ناقض تحدید گردد، ممکن است وقوع ضرر به طور کلی منتفی گردد و یا دست کم، چالش‌های تقویم و رسیدگی به این امر، به مراتب کمتر از مصادیقی است که این اقدامات بعد از وقوع نقض انجام می‌گیرد. در برخی موارد نیز، ظرفیت پیش‌بینی‌شده در قانون برای جبران ضرر صرفاً یک اقدام موقتی در راستای حفظ حقوق خواننده و پیشگیری از نقض آن تا زمان رسیدگی به اصل دعوا می‌باشد (Wipo, 2004; 229).

خواهان یا شاکی، حسب امر در دعوای حقوقی یا کیفری این اختیار را دارند که در هر زمان از مرجع ذی‌صلاح در اصدار قرار تامین یا توقیف کالاهای مربوطه، درخواست نمایند که حسب امر، از شروع یا استمرار فرایند تولید، عرضه، واردات و صادرات کالاهای موضوع نقض، به وسیله قرار مقتضی جلوگیری نماید و به موجب ماده ۶۴ آیین‌نامه قانون سال ۱۳۱۰، مرجع مربوطه، در صورت حصول شرایط قانونی، تکلیف به پذیرش تقاضای مذکور دارد. برای متقاضی این اقدامات، حقوقی متصور است که عبارتند از: تقاضای توقیف محصولات، صدور قرار تامین دلیل، دستور موقت در خصوص توقیف کالا.

مرجع صادرکننده قرار، می‌تواند از خواهان، تضمین متناسب جهت حفظ حقوق خواننده در موارد ضرر ناروا، اخذ نماید. در باب تامین دلیل، اخذ خسارات احتمالی، در قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی نشده است. اما در رویه قضایی، تودیع این خسارت مورد پذیرش قرار گرفته است. مسئله‌ای که در اینجا قابل طرح است، این است که در این موقعیت، کدام حکم در خصوص دستور موقت در موارد نقض حقوق مالکیت صنعتی لازم‌الرعایه است؟ آیا قواعد عام آیین دادرسی باید توسط مرجع تصمیم‌گیرنده ملاک قرار گیرد و یا قواعد خاص آیین‌نامه قانون ثبت علائم و اختراعات؟ بر طبق قواعد قانون خاص مقدم که در اینجا قانون ثبت علائم و اختراعات است، قانون عام مؤخر را تخصیص می‌زند. بنابراین می‌توان گفت در دعوای مربوط به مالکیت صنعتی، دادگاه مختار است از متقاضی دستور موقت خسارت احتمالی اخذ نماید و قانونا الزامی در این خصوص ندارد. نظر اقوی این است که این مسئله در آیین‌نامه قانون ثبت علائم و اختراعات ذکر گردیده است و آیین‌نامه سابق ظرفیت برابری با قانون و مقررات آن را ندارد. پس صادر نمودن قرار موقوف به تودیع خسارت احتمالی می‌باشد و قانون آیین دادرسی مدنی ناسخ آیین‌نامه را در این مورد می‌باشد (صادقی، شیخی، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

مقررات آیین‌نامه قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، در ماده ۱۸۲ مبهم است. توضیح این که در ماده مذکور، امکان توقیف محصولات مقرر شده است؛ لکن در خصوص این امر که توقیف باید در چه چهارچوب و قالبی انجام گیرد، ابهام وجود دارد. در توضیح بیشتر

باید گفت، مشخص نیست مقصود مقنن از توقیف در این ماده، صدور دستور موقت است و یا تأمین خواسته. این ماده به بیان این امر می‌پردازد که: «مالک هر اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری یا قائم مقام قانونی وی حسب مورد می‌تواند به موجب امر نزدیک ترین دادگاه عمومی محل که کالاهای مورد ادعا در آن محل است، صورت مشروحی از کالاهایی که به ادعای او با حق حاصل از اختراع و یا طرح صنعتی و یا علامت تجاری او مخالف است بردارد. اجرای امر فوق در صورتی که کالاها هنوز در گمرک باشند، به وسیله مأمورین گمرک والا به وسیله مأمور اجرا به عمل خواهد آمد توقیف کالاهای مزبور وقتی ممکن است که امر دادگاه تصریح به آن داشته باشد» همانگونه که در این ماده ذکر گردیده است، به دارنده حقوق معنوی مذکور در ماده، این حق اعطا گردیده است که کالاهای ناقض حق وی را توقیف نماید.

اینکه مقررات راجع به دستور موقت در حوزه طرح‌های صنعتی در ماده ۱۸۳ مورد توجه قانونگذار بوده، در ماده ۱۸۲ نیز بیان شده است نمی‌تواند متعارف باشد. یعنی توقیف مذکور در قالب تأمین خواسته پذیرفته شده یا در قالب نهاد دستور موقت. اینکه توقیف مورد نظر در ماده ۱۸۲ می‌تواند همان توقیف در ماده ۱۸۳ قانون موصوف باشد، به دلایل مذکور قابل توجیه است. چرا که عبارت دو ماده تفاوت چندانی ندارد. اما تفاوت اساسی آنها در دو واژه «مخالف» حق اختراع مالک اختراع در ماده ۱۸۲ و «محصولات ناقض» حقوق ادعایی در ماده ۱۸۳ می‌باشد.

با این نگاهی می‌توان ادعا کرد نوع توقیف در ماده ۱۸۲ نمی‌توان توقیف ناشی از نهاد دستور موقت باشد. دلیل این ادعا به این امر مسلم بر می‌گردد که قانونگذار اگر قرار بود هر دو موضوع بیان شده در دو ماده را به موجب دستور موقت مورد توقیف قرار دهد، در یک ماده قرار می‌داد. حال آنکه در ماده ۱۸۲ مقرراتی را در بر می‌گیرد و ماده ۱۸۳ نیز مقرراتی را. بنابراین اگر هر دو یک قلمرو را در بر می‌گرفت دیگر نیاز به تکرار در دو ماده نبود. از طرفی مقررات در این حوزه بعید است در خصوص اقدامات تأمینی باشد اما توجهی به تأمین خواسته نداشته باشد (صادقی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۶۱).

دومین مورد که باید بان توجه داشت این است که ماده ۱۸۲ باید خارج از موضوع دستور شناخته شود، همانگونه که پیش‌تر بدان اشاره شد، عبارت‌پردازی دو ماده با هم تفاوت دارد. زیرا در مورد اول به موضوع مخالفت پرداخته شده است و در مورد دوم بحث نقض که دایره شمول و قلمرو مفهوم هر یک با هم تفاوت دارد. از سویی دیگر نگاه به پیشینه تقنین این دو ماده که بیانگر مواد ۶۳ و ۶۴ آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات ۱۳۳۷ می‌باشد، قابل توجه می‌باشد. برای توضیح بیشتر باید عنوان نمود، در ماده ۶۳ این آیین‌نامه که

ماده ۱۸۲ آیین‌نامه جدید جایگزین آن گردیده است، از لفظ مخالف استفاده شده است؛ لکن ماده ۶۴ آیین‌نامه مذکور که ماده ۱۸۳ جایگزین آن گردیده است، عبارت «توقیف محصولات تقلبی و تقلیدی» را به کار برده بود، نه توقیف محصولات «ناقص» حقوق مالک اختراع (دریایی، نوروزی، ۱۳۹۱: ۸۸). با در نظر داشتن این امر، توقیف مذکور را از باب دستور موقت نمی‌توان در نظر گرفت. به این دلیل که صدور تأمین خواسته در راستای توقیف اموال مخالف حقوق صاحب ورقه اختراع، با مقاصد این قرار سازگار است؛ باید در نظر داشت از محل فروش آن، اجرای محکوم‌به مقدور است و مخالف مذکور مترادف با نقض حقوق مالک ورقه اختراع، همانند وجود محصولات تقلبی و تقلیدی نمی‌باشد که فروش آن خسارتی به محکوم‌له وارد نماید. علاوه بر این در صورتی که قالب صحیح هر دو ماده ۱۸۲ و ۱۸۳ آیین‌نامه جدید را دستور موقت در نظر بگیریم در تفسیر ماده ۱۸۴ همین آیین‌نامه، با چالش‌هایی روبه‌رو می‌گردیم. مسئله بعدی که باید مد نظر قرار گیرد، ملزم یا مختار بودن قاضی در اخذ تأمین از تقاضاکننده دستور موقت است؛ که در این مورد نیز در سیاق مواد ۱۸۲ و ۱۸۳ مغایرت‌هایی مشاهده می‌گردد (دریایی، نوروزی، ۱۳۹۱: ۸۹).

یکی از الزاماتی که در موافقت‌نامه تریپس برای اعضا پیش‌بینی گردیده است، فراهم ساختن رویه‌هایی موثر در راستای اجرای جمله حقوق بر آفرینش‌های معنوی ذکر شده در این موافقت‌نامه است. این موارد باید وسایل فوری جبران خسارت برای جلوگیری از تخلف را عملیاتی سازد. علاوه بر مورد مذکور، سازوکارهایی در راستای مقابله، پیشگیری و توقیف نقض حقوق بر آفرینش‌های معنوی به وسیله اقدامات تأمینی و مقدماتی در مواد ۴۴ و ۵۰ ذکر گردیده است و حتی این ظرفیت در ماده ۵۱ برای مقامات گمرکی پیش‌بینی گردیده است که در موارد مشخصی رسماً اقدام به اتخاذ تصمیم نمایند (Wipo, 2004; 355). پیرو همین امر مازاد بر ماده ۴۴ که ظرفیت متوقف کردن نقضی را که خواننده آن را از پیش آغاز نموده، ایجاد می‌نماید، ماده ۵۰ موافقت‌نامه تریپس نیز با عنوان (اقدامات موقت)^۱ به اقدامات تأمینی و موقتی در راستای پیشگیری از آغاز و وقوع نقض تخصیص پیدا کرده است. در بند ۲ ماده ۵۰، انجام اقدامات تأمینی به صورت مشخص در مصادیقی که عدم اقدام فوری می‌تواند سبب ورود ضرر جدی گردد و یا در مواردی که این ریسک وجود دارد که مدارک معتبر از معدوم گردد، ضرورت می‌پیدا می‌کند. گفتنی است به موجب بند ۳ همان ماده خواهان اقدامات تأمینی باید مدارک مورد نیاز برای اثبات ادعای خود را همراه داشته و به موجب مدارک مستند مسئول مورد نظر را متقاعد

^۱ provisional measures

سازد که اولاً دارنده حق مورد ادعا می‌باشد و دیگر حق موصوف از سوی خواننده دعوا نقض گردیده، یا در آستانه نقض می‌باشد. این موضوع در عرصه بین کشوری در قالب انتقال تکنولوژی قابل تصور می‌باشد.

در نظام حقوقی ایران در خصوص دستور موقت علاوه بر مطالب فوق به طور کلی و در لایحه حمایت از مالکیت فکری که در مجلس در حال بررسی است؛ نیز می‌توان این مهم را مورد بررسی قرار داد. در این راستا ماده ۸۰ این لایحه بیان می‌کند: «ماده ۸۰- مراجع قضائی بر اساس احکام مقرر در قوانین آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) - مصوب ۱۳۷۹- و آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲- و اوضاع و احوال حاکم بر دعوی می‌توانند به تناسب مورد، اقدامات زیر را به عمل آورند:

صدور دستور موقت مبنی بر منع انجام هرگونه عملی که نقض حقوق مورد حمایت این قانون محسوب می‌گردد.» بنابراین به موجب این ماده علاوه بر مقررات دیگر در این عرصه می‌توان دستور موقت را در مورد حقوق مالکیت معنوی اجرا نمود.

۲-۳. بررسی ماهیت تمهیدات تأمینی در مالکیت ادبی یا هنری (حق مولف)

در قوانین ایران حقوق مادی پدیدآورندگان بر اساس ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان که «به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار خواهد گرفت.»

بر اساس اصلاحیه‌ای که مجلس شورای اسلامی در این باره در تاریخ ۸۹/۰۵/۳۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تاریخ ۸۹/۰۷/۰۷ توسط ریاست محترم جمهور جهت اجرا به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابلاغ شده است تغییراتی را به دنبال خواهد داشت: اولین قسمت از این مصوبه از نظر حقوقی، حقوق مادی مولف، مصنف و هنرمند که به موجب وصایت و یا وراثت منتقل می‌شود را از سی سال به پنجاه سال افزایش داد که این قدمی مهم در راستای هماهنگ نمودن قوانین مالکیت فکری با کنوانسیون برن و موافقت نامه تریپس می‌باشد. دومین تغییر؛ اینکه در قانون، در صورت عدم وصایت یا وراثت، اثر برای استفاده برای استفاده عموم در اختیار وزارت فرهنگ قرار می‌گرفت که از تاریخ این مصوبه در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار خواهد گرفت.

قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی هم به دنبال قوانین فوق الاشاره در ماده ۱، مدت استفاده از این حقوق که به وارث منتقل می‌شود را از تاریخ مرگ مترجم به مدت سی سال دانسته است. حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قائم مقام انتقال دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود.

لایحه جامع قانون حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط نیز در ماده ۴۴ مدت حمایت از حقوق مادی پدیدآورنده را از زمان خلق اثر تا پنجاه سال پس از مرگ او پیش بینی نموده است.

هیچ یک از قوانین ایران به صراحت به حقوق مرتبط نپرداخته اند؛ اما در قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان در بند ۴ ماده ۲ اثر موسیقی را که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد را مورد حمایت قانون دانسته است. مستفاد به همین بند می‌توان گفت: تولیدکنندگان آثار صوتی از پدیدآورندگان محسوب می‌شود. همچنین در این قانون مقررهای که به صراحت از اعطای حقوق مجزا به سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی سخن بگوید، وجود ندارد. البته در ماده ۱۱ این قانون به مسئله ضبط این برنامه‌ها اشاره شده و تنها در صورتی مجاز تلقی شده که برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد.^۱ «شاید بتوان گفت با توجه به این ماده قانون گذار از سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی حمایت کرده است، اما احتمال دارد منظور قانون گذار از حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار رادیویی و تلویزیونی باشد.» (صادقی، پورمحمدی، ۱۳۸۶: ۷۹) با این حال در ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی دقیقاً به آثار صوتی اشاره دارد و «نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش را ممنوع دانسته است»

لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، بخش سوم شامل مواد ۹۳ الی ۱۱۰ را به حقوق مرتبط اختصاص داده است. در ماده ۹۳ حقوق مرتبط را شامل حقوق اجراکنندگان اثر، تولیدکننده نسخه‌های اثر صوتی مراکز پخش رادیو-تلویزیونی دانسته است.

^۱ نسخه برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون مذکور در بند ۱ ماده ۲ و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد مجاز است.

این لایحه، حقوق هریک از تقسیمات فوق الاشاره را شامل فصل اول (حقوق اجراکنندگان)، فصل دوم (حقوق تولیدکنندگان ابزار رسانه‌های صنعتی) و فصل سوم (حقوق مراکز پخش رادیو - تلویزیونی) مورد توجه و اهتمام قرار داده است. در ماده ۱ بند ۱۷، لایحه به تعریف اجراکننده پرداخته و آن را عبارت «از خوانندگان، نوازندگان، هم‌خوانان، هنرپیشگان و سایر افرادی که آواز می‌خوانند، سخنرانی، دکلمه یا بازیگری می‌نمایند یا به هر ترتیب دیگری نمودهای فرهنگ عامه، عملیات سیرک بازی و خیمه شب بازی و سایر آثار ادبی و هنری اجرا می‌نمایند اعم از اینکه آثار مزبور در حوزه عمومی قرار گرفته باشند یا نباشند، دانسته است». در تبصره ذیل همین ماده، هنرمندان نقش‌های فرعی کم اهمیت اثر دیداری - شنیداری یا شنیداری را از حوزه شمول حمایت خارج نموده است.

در قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان در ماده ۶ به تعریفی از آثار مشترک پرداخته و آن را عبارت از «اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده بوجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان باشد»، دانسته است. در تبصره ماده ۱۲ به مدت حمایت از آثار مشترک اشاره شده و مقرر می‌دارد: «مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود. به موجب ماده ۱۱ آئین نامه اجرایی حمایت از نرم افزارهای رایانه‌ای هرگاه اشخاص متعدد در پدیدآوردن نرم افزار مشارکت داشته باشند، چنانچه سهم مشارکت هر یک در پدیدآوردن نرم افزار مشخص باشد، حقوق مادی حاصل از آن به نسبت مشارکت به هر یک تعلق می‌گیرد. در صورتی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است. پس از تصویب اصلاحیه ماده ۱۲ در مجلس شورای اسلامی که اکنون لازم الاجرا گردیده است، مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ به پنجاه سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده تغییر یافته است. بنابراین ماده ۴۵ قانون لایحه جامع که مدت حمایت از حقوق مادی اثر مشترک را از زمان خلق اثر تا پنجاه سال پس از مرگ آخرین پدیدآورنده پیش بینی شده است، تحقق یافته است. قانون ترجمه و تکثیر، مدت حمایت از آثار مشترک در ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مقررهای ندارد.

۴. بررسی اقدامات تأمینی در حوزه مالکیت معنوی در چهارچوب فقه امامیه

برای بررسی اقدامات تأمینی در حوزه مالکیت معنوی در چهارچوب فقه امامیه، باید به این امر توجه داشت که اقدامات تأمینی در راستای حمایت و حفاظت از حقوق مالکیت معنوی می‌باشند؛

از این رو، بررسی مبانی فقهی مشروعیت حقوق معنوی، زمینه توجیه اقدامات تامینی در راستای حمایت از این حقوق را به عمل می‌آورد. در این راستا، در ادامه به مبانی فقهی مالکیت معنوی پرداخته خواهد شد.

۴-۱. قاعده لاضرر

مطابق با قاعده لاضرر، هر معامله یا حکمی که باعث ورود ضرر به جان، آبرو یا مال یک فرد مسلمان گردد، شرعا فاسد و حرام است. آن دسته از فقها که قائل به مشروعیت مالکیت معنوی هستند، با تمسک به این قاعده، به بیان این نکته می‌پردازند که پدیدآورندگان اموال معنوی، با صرف زمان، تلاش و هزینه، این آثار را خلق نموده‌اند. زمان، تلاش و هزینه صرف شده در بسیاری موارد می‌تواند قابل توجه باشد. بنابراین، نادیده گرفتن این موارد که شخص در پی خلق اثر فکری خویش مصروف داشته، سبب ورود ضرر به وی می‌گردد. بنابراین مورد تایید شارع نمی‌باشد. در توضیح بیشتر باید گفت، با در نظر داشتن گسترش روزافزون وسایل ارتباطی، نظیر اینترنت و ظهور ابزارهای نوین در حوزه تولیدات معنوی اندیشمندان حوزه‌های گوناگون ناگزیرند تا با تغییرات رو به رشد حوزه مالکیت معنوی همگام شوند. پیرو گسترش پیشرفت‌های بشر در این زمینه، دسترس به اموال معنوی نیز به مراتب، آسان‌تر و سریعتر از پیش گردیده است. منطقا حمایت و حافظت از حقوق دارندگان این آثار، با توجه این شرایط سخت‌تر از پیش بوده و مستلزم توجه ویژه مقنن است. این نکته را نباید از نظر دور داشت که خلا قانونی در حمایت از تولیدات معنوی، زمینه دلسردی پدیدآورندگان آثار معنوی می‌شود. همین امر باعث رکود جامعه در حوزه‌های مختلف و در نهایت ورود ضرر به چرخه اقتصادی و مردم می‌گردد (گیاهپور، ۱۳۹۵: ۴۱).

پیرو همین مسئله، حمایت از اموال فکری در ابعاد مختلف، به وسیله سازوکارهای قانونی، می‌تواند موجب پیشگیری از ورود هرگونه ضرر به حقوق دارندگان این آثار گردد که یکی از این ابعاد، پیش‌بینی اقدامات تامینی است.

۴-۲. قاعده صحت

عده‌ای از موافقان مالکیت معنوی بر این باورند که اصل صحت، در اثبات مشروعیت فقهی اغلب مسائل مستحدثه کاربرد دارد. مطابق با این اصل در در فرضی که در صحت امری از منظر فقهی، تردید وجود داشته باشد، حکم به صحت آن می‌شود. به همین دلیل، در مواردی نظیر

مالکیت معنوی که مشروعیت آن در نظر شارع مورد تردید است، از آنجایی که به عدم صحت آن نرسیده‌ایم، در این خصوص به اصل صحت متمسک می‌شویم. البته درباره این اصل نظرات متفاوتی وجود دارد. از منظر نخست، مجرای اصل صحت مواردی می‌باشد که وجود شرایط عرفی و شرعی معامله در آن احراز شده باشد. بنابراین از آنجایی که در حقوق مالکیت معنوی شرایط عرفی و شرعی احراز نگردیده است، استناد به اصل صحت برای مشروعیت بخشیدن به حقوق مالکیت معنوی صحیح نیست. به بیان دیگر قبل این که مشروعیت معاملات مستحدثه به اثبات برسد، نمی‌توان اعتبار این موارد را با اصل صحت ثابت نمود. این دیدگاه اغلب فقها در این زمینه است. دیدگاه دوم قائل به امکان استفاده از اصل صحت برای اثبات مشروعیت موارد مستحدثه می‌باشد. بنابراین، مطابق با این دیدگاه برای اثبات شرعیت حقوق مالکیت معنوی می‌توان به اصل صحت استناد نمود (رحیمی، سلطانی، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

۳-۴. حق سبق

یکی از دیگر دلایل مورد استناد در راستای اثبات مشروعیت حقوق مالکیت معنوی، قاعده سبق می‌باشد. موافقان مشروعیت مالکیت فکری، در توضیح این مطلب به این حدیث استناد می‌نمایند که هر فردی پیشی بگیرد، نسبت به کسی که پیشی نگرفته است به آن امر سزاوار تر است. بنابراین، خلق‌کنندگان آثار معنوی، به این سبب که قبل از سایرین دست به خلق این آثار شده‌اند، نسبت به سایرین در داشتن حقوق مربوط به آن، سزاوارتر هستند. البته به این دیدگاه نقدهایی نیز وارد است؛ زیرا تولیدکننده آثار معنوی، در روند تولید آن، در بسیاری موارد از علوم و فنون گذشته بهره گرفته است. بنابراین می‌توان صاحبان اندیشه پیشین را نیز در خلق اثر شریک دانست لکن در برخی از تولیدات معنوی مانند تالیف، شاید استناد به این دلیل صحیح باشد.

۴-۴. عموم اوفوا بالعقود

موافقان و مخالفان حقوق مالکیت معنوی، هر کدام، منظری متفاوت در خصوص این آیه دارند. از منظر مخالفان، حقوق مالکیت معنوی، دارای شرایط عقد نیست که با تمسک به این آیه، بتوان مشروعیت آن را اثبات نمود و هیچ یک از مصادیق عقود و معاملات بر آن قابل اثبات نیست. موافقان حقوق مالکیت معنوی نیز، در راستای اثبات این حقوق به ذکر دلایلی می‌پردازند. ایشان بر این باورند، با توجه به فرا زمانی بودن و جهان شمول بودن شرع مقدس اسلام، این آیه بر کلیه

قراردادهایی که در زمان شارع و پس از آن با توجه به عرف جامعه در دایره عقود و عهود قرار دارند، اطلاق می‌گردد. بنابراین، اثبات مشروعیت حقوق مالکیت معنوی با این دلیل ممکن است.

لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ (نساء / ۲۹)

این آیه شریفه، یکی از آیاتی است که موافقان مالکیت معنوی به آن استناد می‌نمایند. بر اساس آن، با توجه به کلمه استثناء که در آیه آمده و قید تراضی، رعایت این حقوق، مصداق تجارت همراه با رضایت است و صحیح می‌باشد. به دیگر سخن، این آیه صحت عقود و قراردادهای را منوط به رضایت طرفین می‌داند. بنابراین، حکم این آیه را می‌توان به حقوق مالکیت معنوی نیز تسری داد. بنابراین، کسب منفعت مادی از اموال معنوی بدون رضایت صاحب حقوق آن، نوعی اکل به باطل می‌باشد.

۴-۵. سیره عقلا

سیره عقلا شامل مسلمانان و غیرمسلمانان می‌گردد و مطابق با نظر اصولیان متأخر، پیروی از آن شایع است (مظفر، ۱۳۹۷: ۱۵۴). با عنایت به اینکه بحث حقوق مالکیت معنوی تنها مختص به مسلمانان نبوده و مسئله‌ای جهانی محسوب می‌شود، خردمندان جهان، آن را پذیرفته و قراردادهای متنوعی در باب حمایت از آن منعقد شده است. بنابراین، می‌توان به صحت آن حکم نمود؛ زیرا در عرف عقلا اثبات این حق مطابق با مصلحت اجتماع است و زمینه‌ساز رشد و پیشرفت علمی جوامع خواهد گردید و از آنجا که سیره عقلا، یکی از دلایل محکمی است که می‌توان از آن برای اثبات یا رد مسائل مستحدثه استفاده کرد و نیز چون هیچ رد و منعی از جانب شارع نسبت به این حقوق در دست نیست، بنابراین، حکم به صحت آن می‌نمایند. ضمن آنکه عقل نیز به صحت آن حکم می‌کند. مسئله دیگر این که با عنایت به آیات امر به معروف، مانند « خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ » (اعراف، ۱۹۹)، می‌توان بیان نمود، هر چه که از منظر عرف، به معروف تعبیر گردد، امر به آن ضروری است. به تعبیر دیگر منظور از کلمه «العرف» در آیه شریفه مذکور، طبق گفته بیشتر فقیهان اهل سنت نیز، عرف می‌باشد.

مطابق با آنچه که ذکر گردید، سیره عقلا یکی از دلایل مهم اثبات شرعیت در مسائل مستحدثه از جمله حقوق مالکیت معنوی است. آیت ... مکارم شیرازی در پاسخ به استفتایی درباره حقوق مزبور می‌گوید: مالکیت معنوی مانند مالکیت مادی شایسته احترام است و تجاوز به حریم آن جایز نمی‌باشد. اگر فردی به این حقوق تجاوز کند و موجب ضرر گردد، ضامن تلقی می‌شود. به این دلیل که مالکیت، از موضوعات عرفی و عقلانی محسوب می‌شود. همچنین باید

در نظر داشت در زمان حاضر، این نوع مالکیت در عرف و عقلا مورد پذیرش قرار گرفته است و از با توجه به این که موضوع را از عرف می‌گیریم و حکم را از شرع، به این نتیجه می‌رسیم که اصل کلی «لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ» در خصوص مالکیت معنوی نیز صدق می‌کند. مضافاً، در برخی موارد برای تولید یک مال معنوی نظیر کتاب، ابزارهای هوشمند، دارو و... ساعت‌ها زمان و هزینه صرف می‌گردد. یقیناً در صورتی که فردی از آن اثر بدون اجازه نفع تجاری ببرد، ظلم فاحشی مرتکب شده و ظلم از نظر شرع و عقل حرام است و در صورتی که فرد یا افرادی، دست به این کار خلاف و غیرقانونی بزنند، ضامن می‌باشند.^۱ همچنین ایشان فرموده‌اند: حق تالیف یک حق عقلایی محسوب می‌شود که در بین عقلای جهان مورد پذیرش قرار گرفته است و تجاوز به آن مصداق ظلم بارز بوده و ممنوع است. و نشر آثار مولفین و شعرا بدون اخذ اجازه این افراد جایز نمی‌باشد و باید این امر را مد نظر داشت که همیشه مصادیق از عرف اخذ می‌شود و احکام از شرع مقدس. و مانعی ندارد که در گذر زمان، حقوق تازه عقلاییه ایجاد شود و مشمول احکام کلیه اسلام باشد. حق تالیف یکی از حقوق عقلاییه می‌باشد که شرع اسلام مطابق با عمومات کتاب و سنت آن را امضاء نموده است؛ به این دلیل که در عرف عقلا، رعایت نمودن این حقوق، یک نوع از ظلم محسوب می‌گردد و قابل واگذاری است. طبق نظرایشان تکثیر کتاب‌ها نیز بدون رضایت صاحبان اصلی آن جایز نیست؛ مگر اینکه از کفار حربی باشد. به نظر می‌رسد محکم‌ترین دلیل در اثبات مشروعیت حقوق مالکیت معنوی، همین دلیل مذکور است. زیرا در جایی که اکثر اندیشمندان و نخبگان جهان رای به صحت این حقوق داده‌اند و آن را ابزاری مهم در جهت تامین امنیت فکری صاحبان اندیشه می‌دانند و نیز با در نظر گرفتن پیامدهای مثبتی که اثبات این حقوق برای رشد جامعه علمی و فرهنگی کشورها خواهد داشت، دلیلی برای مخالفت با آن وجود ندارد. با توجه به مبانی فوق، حمایت از حقوق مالکیت معنوی در نظام‌های اسلامی از جمله ایران، در راستای اجرای قواعد اسلامی و حفظ منافع جامعه، لازم و حتی ضروری می‌نماید. همین امر، مبنای لزوم وجود اقدامات تأمینی از منظر فقهی در راستای حمایت از مالکیت معنوی است.

نتیجه‌گیری

تمهیدات تأمینی در زمینه حقوق مالکیت معنوی در نظام حقوق ایران به تکامل یافتگی مشابه آن

^۱ سایت رسمی آیت ا... مکارم شیرازی، استفتانات

در کشورهای پیشرو چون کشورهای اروپایی و آمریکایی نیست. همچنین با مقرراتی مشابه در اسناد بین‌المللی نیز کمترین قرابت را دارد. این در حالی است که امروزه جهت حمایت از تولید کنندگان علم و خالقان صنعت، گستره‌ای عظیم‌تر از حمایت را در نظر گرفته‌اند که در فضای سایبر قابل واکاوی است. از سوی دیگر اشکال دیگر حمایت و اقدامات تمهیدی به شکلی اجرایی با تکیه بر بیمه نمود یافته تا بیشتر آفرینندگان علم و دانش بتوانند بدون دغدغه به کار خود بپردازند. مع‌الوصف، فرضیه پژوهش حاضر بدین شرح به اثبات می‌رسد که، در فضای نظام حقوقی ایران، اقدامات تأمینی ایران به دو دسته اصلی قابل تقسیم می‌باشند: دسته اول تمهیدات عام که در قالب نهادها و قالب‌های عمومی آیین دادرسی مانند قرار تأمین خواسته و دستور موقت می‌باشند؛ دسته دوم تمهیدات خاص که به صورت موردی در حوزه اسرار تجاری، علامت تجاری، حق اختراع مطرح می‌باشند. در نتیجه، از منظر نظام حقوقی ایران، ماهیت اقدامات تأمینی در قالب‌های عمومی آن، اقدامات نظارتی و نهادی می‌باشد که برای تحکیم فرآیند دادرسی به آن می‌توان متوسل شد و اما اقدامات مزبور در قالب‌های خاص آن مانند اسرار تجاری و حق اختراع احکام استثنائی و خاصی می‌باشند که به صورت موردی توسط قانون‌گذار به رسمیت شناخته شده‌اند.

همچنین علاوه بر موضوع برجسته ای چون تمهیدات تأمینی در قالب نهادهایی چون دستور موقت، می‌توان به طور خاص نیز این اقدامات را در قوانین مربوط به مالکیت فکری مورد بهره و واکاوی قرار داد. برای هر یک از موارد مشمول حمایت به نحو جداگانه و با عبارات مختلف، که بعضی از آنها چندان رسا نیست، به مالک اجازه طرح دعوی جهت جلوگیری از نقض قریب الوقوع حق داده شده است. در بند ۷ از ماده ۵۰ که تنها ماده بخش سوم است که به اقدامات موقتی می‌پردازد و حاوی مقررات شکلی مهمی در رسیدگی به تخلفات صورت گرفته و به ویژه تخلفاتی که احتمال قریب الوقوع دارند می‌باشد. هدف از اقدامات جلوگیری از نقض حقوق مالکیت معنوی یا جلوگیری از ارتکاب جرم نسبت به حقوق مالکیت معنوی و حفظ ادله مربوطه در خصوص تخلف ادعا شده است که در بند ۱ قانون ثبت اختراعات و ... آمده است. در بند دوم نیز به همین ترتیب: اجرای این اقدامات در دو مورد ویژه لازم است: جایی که هرگونه تأخیر احتمالا منجر به ضرر غیر قابل جبران به مالک حق می‌گردد و جایی که خطر از بین رفتن سند مسلم است. البته متقاضی باید ادعای خویش را مطابق قانون به اثبات برساند. اعضا ملزم هستند به مقامات قضائی صلاحیت اتخاذ تدابیر و اقدامات موقتی اعطا کنند. این ماده قاعده کلی در اینکه چنین تدبیری چه وقت موجه می‌باشد مقرر نمی‌کند. در نهایت باید افزود با توجه به این که

هر دو متغیر پژوهش حاضر یعنی حقوق مالکیت معنوی و اقدامات تأمینی در متون فقهی فاقد سابقه می‌باشند، با این حال می‌توان این مفاهیم را در چهارچوب مبانی و قواعد کلی فقهی از جمله قاعده لاضرر، قاعده تسلیط و دیگر قواعد حاکم بر مالکیت مورد ارزیابی قرار داد و حکم نهایی به جواز عدم جواز توسل به آن‌ها صادر نمود.

برایند پژوهش مبین این واقعیت است که حقوق مالکیت معنوی با اعطای قدرت انحصاری موقت به مخترعان که موفق در زایش فکری نو شده اند، نخستین گام را در حمایت و حفاظت آنها گذاشته است. این رویکرد تلاشی است که آفریننده‌های این حقوق را در جهت نوآوری تشویق کرده و خلاقان در این عرصه را توانی مضاعف بخشند. از طرفی دیگر سود انحصاری متعاقب آن تمهیدی تأمینی با هدف حمایت شخصی است که بازده سرمایه گذاری موفق در تحقیق و توسعه را فراهم می‌کند. پس باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا سهم بالای سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه ناموفق را جبران کند. این در حالی است که حتی با توجه به اینکه حمایت از حقوق مالکیت معنوی را نوشدارویی برای کشورهای در حال توسعه می‌دانند، دیدگاه‌ها در مورد اهمیت حفاظت از حقوق مالکیت معنوی به صورت دو قطبی اجرا می‌گردد. از یک طرف، اعتقاد بر این است که حفاظت از این نوع از مالکیت باید محکم و با قدرت بیشتری صورت پذیرد که نتیجه آن اقدامات تأمینی چون دستور موقت، توقیف، ابطال، نقض و ... است. علت آن نیز براینست که حمایت می‌تواند نوآوری، انتشار فناوری و افزایش رشد اقتصادی و علم را تشویق کند. از سوی دیگر، تصور می‌شود که حفاظت قوی‌تر از این حقوق منجر به قدرت انحصاری برای دارندگان حق اختراع شده بنابراین انگیزه نوآوری را کاهش داده و انتشار دانش را محدود می‌کند. در نهایت باید به عنوان پیشنهاد در قالب یافته پژوهش که براینست رویکرد نوین به موضوع حاضر می‌باشد، بیان کرد با وارد کردن مضامین اصول فقهی در حقوق مالکیت معنوی می‌توان افزون بر نهادهای عام حقوق مدنی همچون دستور موقت و یا تأمین خواسته از مصادیق عام و اخلاقی و عقلانی چون قاعده لاضرر نیز در جهت حمایت از حقوق آفریننده‌های معنوی بهره جست.

منابع

الف) منبع فارسی

۱. اسدپور، فرشته، پهلوان زاده، عباس، «جایگاه رقابت عادلانه انتقال تکنولوژی در مالکیت معنوی از رهگذر اقدامات تأمینی»، فصلنامه فقه و جزای تطبیقی، (۵): ۱۲۷-۱۴۹

۲. اقبالی درخشان، محمد حنفیه، «مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق موضوعه»، مجله کانون، شماره ۶۶، ۱۳۸۵.
۳. امینی نژاد، صفایی، حسین. «تحلیل فقهی و حقوقی موانع امکان نقل و انتقال حق معنوی مؤلف»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی سال ۱۳، شماره ۴۷، ۱۳۹۶.
۴. جعفرزاده، میرقاسم، «شرایط ماهوی حمایت از اختراع از نگاه رویه قضایی و ادره ثبت اختراعات»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴.
۵. حکمت نیا محمود، «بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری». اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۸.
۶. حنیف پور، زهره، «واکاوی اقدامات تامینی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی مربوط به مالکیت معنوی با نگرشی بر اسناد بین المللی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد سبزوار، استاد راهنما محمد رضا نیکنام، ۱۴۰۰.
۷. دریایی رضا، نوروزی محمد. «بررسی تطبیقی نظام دستور موقت در حقوق مالکیت صنعتی ایران و موافقتنامه تریپس». پژوهش‌های حقوق تطبیقی. ۱۳۹۱؛ ۱۶ (۱): ۱۰۵-۷۹.
۸. رحیمی، مرتضی، سلطانی، عباسعلی، «مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه»، فقه و اصول، شماره ۳۸، دوره ۳، ۱۳۸۵.
۹. دهقان، سکینه، «شیوه‌های پیشگیری و جبران خسارت در نقض حقوق مالکیت فکری (در حقوق ایران و اسناد بین المللی)»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۸، ۳۹: ۱۶۷-۱۴۱.
۱۰. صادقی محمود، شیخی مریم، «اقدامات تامینی و ضمانت اجرای مدنی حقوق مالکیت صنعتی»، مطالعه تطبیقی. مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، دوره ۳۹، شماره ۳، ۱۳۸۸.
۱۱. صادقی، محمود، پورمحمدی، شیمیا. «حقوق مرتبط با حق مؤلف. حقوق اسلامی»، ۱۳۸۶؛ ۴(۱۳): ۷۳-۹۶.
۱۲. صالحی ذهابی، جمال، «حق اختراع نگرش تطبیقی»، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
۱۳. عسگری ارجنکی، احمد، «بررسی تطبیقی حق کپی رایت در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان، دوره: ۱، شماره ۱، ۱۳۹۷.
۱۴. گیاهپور، هادی، «مبانی فقهی حقوقی مالکیت معنوی»، نشریه مجله پویا در آموزش علوم انسانی، دوره ۲، شماره ۵، ۱۳۹۵.
۱۵. مجاهد، افشین، «مطالعه تطبیقی آثار مالکیت معنوی در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر حقوق بین الملل»، مجله پژوهش و مطالعات علوم انسانی، ۱۴۰۰، ۳(۲۹): ۱۰-۲۱.

۱۶. مظفر، محمدرضا، «اصول الفقه»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۲۳، ۱۳۹۷.
۱۷. سایت رسمی آیت ا... مکارم شیرازی، استنفئات.

ب) منبع انگلیسی

18. Goldstein P. International copyright: principles, law, and practice. Oxford University Press, USA; 2001.
19. Wipo Intellectual Property Hand Book, Wipo Publications, Second edition, 2004 pp; 355-354.